

قطب ششم

حضرت شیخ ابوبکر طوسی

أَعَالِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَاشِرٌ دِينَ اللَّهِ وَ السَّرَاحُ الْوَهَّاجُ، جناب شیخ ابوبکر بن عبدالله الطوسی النَّسَاجِ. در طریقت صاحب مقامی عالی و درجه بلند بوده است. سرسپرده و مرید جناب شیخ ابوالقاسم گورکانی و جانشین و خلیفه وی و مرشد و مراد جناب شیخ احمد غزالی طوسی و با شیخ ابوبکر دینوری مصاحبت داشته است. گویند روزی در بدایت حال در طلب، مجاهده و کوشش بسیار ورزید ولی مجاهده به مشاهده نمی‌انجامید، به درگاه حق تعالی از نومیدی بنالید. به سرش ندا کردند که نساج، تو بنده محتاج هستی با درد خو کن تو را با یافت چه کار. ولی یأس نیافت و از کار باز نماند تا آنچه خواست یافت. شیخ احمد غزالی گوید که شیخ من شیخ ابوبکر در مناجات عرض کرد: *اللّٰهِي مَا الْحِكْمَةُ فِي خَلْقَتِي؟* جواب دادند: *أَلْحِكْمَةُ فِي خَلْقَتِكَ رُؤْيَتِي فِي مِرْأَةِ رُوحِكَ وَ مَحَبَّتِي فِي قَلْبِكَ* ^۱! جنابش پس از جناب شیخ ابوالقاسم گورکانی به امر وی بر اریکه ارشاد جلوس نمود و تا سال چهارصد و هشتاد و هفت به ارشاد عباد اشتغال داشت، در آن سال دارفانی را وداع نمود. مدت قطبیت وی سی و هفت سال بوده است و خلیفه و جانشین وی جناب شیخ احمد غزالی است. این بیت در ماده تاریخ وفات وی گفته شده:

بقا می‌یافت اندر قرب محبوب

چو از دار فنا بوبکر نساج

بگو قطب جهان بوبکر محبوب

چو سال ارتحال او بخواهی

معاصرین وی از مشایخ عظام:

۱ - شیخ ابوبکر دینوری؛

۲ - ابوالفضل محمدبن حسن ختلی.

از علماء و فقهاء:

۱ - شیخ ابواسحق شیرازی؛

۲ - جمال الدین ابراهیم شافعی؛

۳ - ابوبکر خطیب؛

۴ - احمدبن علی بن ثابت.

از خلفاء:

۱- القائم بامرالله

۲- المقتدی بامرالله عباسی.

از سلاطین و امراء:

۱- سلطان آلب ارسلان

۲- سلطان ملکشاه سلجوقی

۳- ابراهیم بن مسعود غزنوی.

شطری از فرمایشات وی: فرمود: تصوّر آب تشنگی نشانده و فکرت آتش گرمی نبخشد و دعوی طلب به مطلب نرساند. هم او گفت: تا تار هستی موهوم سوخته نشود و دیده دل به سوزن غیرت از غیر او دوخته نشود، در خلوت خانه حیات شمع تجلیات جانان افروخته نگردد، زیرا تخم در زمین کاشته نکارند و نقش در کاغذ نگاشته ننگارند. و گفت که توکل آن است که منع و عطاء جز از خدا نبینی، و یقین دانی که توکل به حقیقت صفت ابراهیم خلیل علیه السلام است که چون در آتش می انداختند، جبرئیل گفت: هیچ حاجت داری؟ گفت: به تو نه، چون از خویشتن غائب بود و به حق ناظر غیر حق در نظرش نیامد.

۱۱۱ - خدایا چه حکمت در خلقت من بود؟ جواب دادند: حکمت خلقت تو دیدن من در آئینه روح و دخول محبت من در قلبت بوده.